زنجیر روی زمین اتحاد

پیکار خلق

۵۶

یکشنبه ۲۰ مهر ۵۹

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

کودتاچیان آمریکائی در جبههٔ جنگ با عراق، علیه امپریالیسم آمریکا؟!!

با شروع جنگ میان ایران و عراق، جناحهای دستاندرکار حکومت جمهوری اسلامی فرصت را غنیمت شمرده اند تا با اعمال سیاست خود در رابطه با چگونگی پیشبرد جنگ گوی سبقت را از یک دیگر بربایند و جناح و سیاست خود را در کل حاکم گردانند. در این میان بنی صدر با تکیه بر ارتش میکوشد قدرت خود را به رخ حریف، یعنی حزب جمهوری اسلامی بکشد. بارها اعلام داشته‌ایم که ارتش بر پایهٔ یک سیستم ارتجاعی بنا نهاده شده است. اینک نیز باز هم بر این امر پای میفشاریم. بخاطر داریم که چندی پیش بد نبال عقیم

بقیه در صفحهٔ ۳

پیرامون جنگ ایران و عراق

چندی است که جنگ ناعادلانه بین دو دولت ایران و عراق بوقوع پیوسته است. ما نظر خود در مورد سرشت چنین جنگهائی را در شمارهٔ قبل بیان داشتیم. این بار میخواهیم که سوء استفاده ها و در پناه آن قدرت یابی دو جناح حکومتی، جناح حزب جمهوری اسلامی و جناح بنی صدر را مورد نظر قرار داده و در آن ارتباط مسئلهٔ آتش بس را که از جانب رژیم بعثی عراق به دولت ایران پیشنهاد شد و مورد توافق قرار نگرفت، مورد ارزیابی قرار دهیم.

قبلاً بیان کردیم که از نظر تسلیحاتی ارتش ایران وابستگی تام و تمامی به زراد خانه های امپریالیستی آمریکا دارد. از آنجائیکه سطح دانستنیهای علمی و فنی در ایران در ساختن اسلحه های پیچیده بسیار بسیار نازل است و از آنجائیکه بخش تسلیحات در ارتباط مستقیم با اقتصاد وابسته ایران است، نمیتواند این بخش متکی بخود باشد. این عدم اتکاء بخود امپریالیسم آمریکا را واداشته است که بهترین و مناسب ترین موقعیت را برای وابسته تر کردن اقتصاد ایران بخود بیابد. از همین امروز نشانه های آن ظاهر شده اند. در مطبوعات خبرهائی بچشم میخورد حاکی از اینکه پاکستان حاضر است هلیکوپترهای ایران را تعمیر نماید و یا اینکه آمریکا آماده است وسائل نظامی و یدکی آنها را به ایران بفروشد. اما نباید فراموش کرد که ایتالیا هم وسائل یدکی ارتش ایران را قبلاً فراهم مینموده است. همه

بقیه در صفحهٔ ۲

"همدستی با کفار بعثی عراق"

بهانه دیگر حکومت برای یورش به کردستان

همزمان با تشدید جنگ میان حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی و رژیم بعثی عراق، خلق قهرمان کرد مورد یورش همه جانبه ای قرار گرفته است. از سوئی ارتش عراق با بمباران های مداوم و از سوی دیگر سرکوبگران حکومت جمهوری اسلامی. در این میان مسئلهٔ جنگ فرصت مناسبی بدست حکومتگران ایران داده است تا ببهانهٔ جنگ با عراق، با اعزام ستونهای ارتش به کردستان قهرمان، رزمندگان کرد را مورد تهاجم قرار دهد. "سازمان پیشمرگان مسلمان کرد" نیز که نقش چماق سرکوب حکومت را در کردستان ایفا میکند، با بهره گیری از اوضاع متشنج حاصل از جنگ، ضمن تهاجم وحشیانه به خلق کرد میکوشد با تبلیغات دروغینی از اعتبار پیشمرگان کومه له در میان مردم بکاهد. در این ارتباط است که اخیراً ضمن بیانیه ای خبر از "تأسیس ستاد مشترک چریکهای فدائی (اکثریت)، حزب دمکرات، کومه له و رزگاری برای همدستی با کفار بعثی عراق" میدهد و سپس روزنامه های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در تاریخ چهارشنبه ۱۶ مهر با تیتر و عنوان درشت این بیانیه را بچاپ میرسانند. این

بقیه در صفحهٔ ٤

اخراج ۴ دانش آموز مبارز

از دبیرستان دخترانه فاطمی

بد نبال بازشدن مدارس و در پی بخشنامهٔ ادارهٔ کل آموزش و پرورش مبنی بر ممنوعیت بحث و تبلیغ و فعالیت سیاسی در مدارس، شاهد سیاست سرکوب در همهٔ مدارس هستیم

این سیاست مستقیماً توسط مدیرانی که حکومت را تأئید می کنند و بخصوص نسبت به حزب جمهوری اسلامی گرایش خاصی دارند، اعمال میشود و دقیقاً بخاطر اعمال همین سیاست است که مدیران برخی از مدارس فعالیتهای انجمنهای اسلامی را مجاز شمرده و متحداً با تمام قوا به مقابله با دانش آموزان هوادار نیروهای انقلابی و کمونیست برمی خیزند. این مقابله تا آنجا پیش میرود که بعضاً به اخراج دانش آموزان مبارز منجر میشود. آنگونه که در دبیرستان

بقیه در صفحهٔ ٤

مرگ بر امپریالیسم و سرمایه داری وابسته

www.peykar.org

پیرامون جنگ ...

میدانیم که پاکستان دارای آنچنان سطحی در تکنیک و علم نیست که بخواهد مستقلانه دست به تعمیر هلیکوپترهای ایران بزند. هلی کوپترهای آمریکائی ارتش ایران ظاهراً بوسیلهٔ پاکستان ولی در اصل بوسیله کارخانه های انحصاری اسلحهٔ آمریکا تعمیر خواهد شد. کما اینکه امپریالیسم آمریکا با واسطه قرار دادن دیگر دولتها چون ایتالیا وسائل یدکی ارتش ایران را تأمین نموده است. در اینجا امپریالیسم آمریکا در رساندن چنین قطعاتی به رژیم جمهوری اسلامی ایران از تاکتیک فشار و عرضه استفاده می‌نماید. فشار از این لحاظ که این حکومت را کاملاً بخود وابسته گرداند و عرضه از آن جهت که این حکومت بسوی امپریالیستهای دیگر روان نگردد. قابل توجه است که دست اندرکاران حزب جمهوری اسلامی برای آنکه از امپریالیسم آمریکا بیشتر دلبری نمایند، ظاهراً بابلوک شرق وارد مذاکراتی میشوند و حتی تا آنجائیکه مطبوعات ایران نوشته اند و روسیهٔ شوروی آنرا تکذیب نموده است، گویا این دولت میخواهد اسلحه های تحویل ایران بدهد. اما هم حزب جمهوری اسلامی میداند که در بلوک غرب ماندن بنفع اوست و هم جناح بنی صدر. جناح بنی صدر در این مسئله رک ترسخن میگوید. بنی صدر معتقد است که در این جنگ، ایران در افکار بین المللی ایزوله شده است و بایستی فوری از ایزوله بودن خلاصی یافت. بنی صدر فعلاً جرئت آنرا ندارد که صریحاً بیان دارد که می‌بایستی دیپلماسی ای را در پیش گرفت که در بلوک غرب پابرجا ماند. روزنامهٔ انقلاب اسلامی خیلی محتاطانه در مورد سیستم ارتش می نویسد "سیستم نظامی ایران نیز سیستم آمریکائی است و بالاخره لوازم یدکی و بعضی چیزها لازم دارد. اما انقلاب اسلامی با تغییر بینش و روش در روحیهٔ ارتش و مردم میهن ما به ابتکارات و ابداعات وسیعی انجامیده و می انجامد و کشور میرود که حتی در زمینه های لوازم ارتشی و بکار انداختن و ساختن قطعات یدکی در جهت خودکفائی گام برداشته است. اما کار خودکفائی کامل زمان لازم دارد و در این مدت بالاخره بایستی قطعات را از طریق واسطه و غیره خرید. برا روپا و ژاپن و جهان سوم است که در برابر تجاوز طلبی

حسین بی طرف نمانند، چون بیطرفی وادامه جنگ بیش از همه به اینها صدمه و زیان خواهد زد". (انقلاب اسلامی ۱۲ مهر ۵۹)

می بینید که با چه تردستی از یکطرف سیستم ارتش که جزئی از سیستم حاکمه است، وابسته نشان داده میشود بدون آنکه به کل سیستم برخورد شود. اما اصل قضیه از اینجا آغاز میشود که قطعات یدکی را چه از طریق واسطه و غیره باید خرید. این غیره دیگر چه صیغه ای است؟ بنظر ما روزنامهٔ انقلاب اسلامی که در واقع سخنگوی جناح بنی صدر است، شهامت نداشته است که بنویسد این جناح راغب است که از امپریالیسم آمریکا خریداری شود و بعد هم از اروپا و ژاپن که خود در بلوک امپریالیستی غرب هستند تقاضا میشود که در مقابل "تجاوز عراق" "بیطرف" نمانند و البته هشدار میدهد که صدمهٔ آن که هما نا نرسیدن نفت به آنهاست، متوجهٔ آنان خواهد شد. ضمناً این روزنامه فراموش نکرده است که واژه "جهان سوم" را که عمدتاً حکومتهای وابسته به امپریالیستهای رنگارنگ هستند، بعنوان چاشنی بکار برد.

پس از اینکه بنی صدر منزوی شدن ایران را طرح میکند، حزب جمهوری اسلامی فوری در مقابل این اظهار موضع میگیرد و در بیانیه اش که در ۱۷ مهرماه ۵۹ در روزنامهٔ جمهوری اسلامی بچاپ میرسد، ابراز می‌دارد که "اگر انقلاب اسلامی ما منزوی بود هیچ دولتی بخود زحمت یورش برمارا نمی‌داد". در هرحال این جنگ نه آنطوریکه تبلیغ میشود باعث وحدت این دو جناح از هیئت حاکمه شده است، بلکه در عمق خود باعث رقابتهای فراوانی در بین آنها شده و یا خواهد شد. از هم اکنون میتوان رقابت های آنان را در مورد ارتش و سپاه پاسداران بخوبی دید. حزب جمهوری اسلامی سعی فراوان مینماید که سپاه پاسداران را که عمدتاً در دست او متمرکز شده است، بعنوان تنها نجات دهندهٔ ایران از تجاوز نظامی عراق در افکار توده های ناآگاه بنشاند و جناح بنی صدر هم کوشش میکند که ارتش را بعنوان تنها ناجی ایران بحساب آورد. در تبلیغات سعی فراوان شده است که ارتش بمثابهٔ "پناه ملت" "یاور و دوست ملت" تلقی شود. چه سرودها و چه اشعاری که در مورد ارتش سرائیده نشده و چه تاکتیکهای روانی که بکار برده نشده تا ارتش را جنبهٔ ملی و انقلابی

بخشد. البته باید یادآور شد که جناح بنی صدر در این امر تا حدودی موفقیت داشته و لهذا این جناح از این "موقعیت طلائی" کمال استفاده را میکند تا بتواند انسجام درونی ارتش را از طریق اطاعت کورکورانه و خرید تسلیحات از دولتهای امپریالیستی برحق جلوه دهد. این جنگ برای جناح بنی صدر این فایده را داشت تا بتواند جناحش را در مقابل رقیب یعنی حزب جمهوری اسلامی کاملاً مستحکم گرداند. هر دو جناح سعی میکنند که با فرستادن عناصر و مهره های خود به جبهه های جنگ، به نفع جناح خود و محکم کردن پایه های خود برای حال و آینده تبلیغات کنند. فرستادن طلبه های حوزه های علمیه و افرادی چون بازرگان و یزدی و ..... در این ارتباط است. در رابطه با مسائل فوق است که میبایستی پیشنهاد آتش بس را از طرف رژیم عراق و نپذیرفتن آن از سوی هیئت حاکمهٔ ایران را مورد بررسی قرار داد. دولت بعثی عراق که به تصرفاتی در داخل خاک ایران دست زده است در حقیقت از موضع یک قدرت ارتجاعی تقاضای آتش بس نمود تا از یکطرف در تبلیغات جهانی برای "صلح طلبی" خود تبلیغ کند و از طرف دیگر در صحنهٔ نبرد رژیم کنونی ایران را در یک موضع ضعیف مورد حملات دیپلماتیک و نظامی قرار دهد.

جناحهای حاکم ایران متحداً میخواستند که خود از جنبهٔ قدرت بر رژیم بعثی عراق چه از لحاظ دیپلماسی و چه از لحاظ نظامی فشار وارد آورند. قابل ذکر است که در بین حزب جمهوری اسلامی و جناح بنی صدر در مورد گفتگو با دولت عراق هم اختلاف نظر وجود دارد. حزب جمهوری اسلامی معتقد است که باید رژیم صدام حسین ساقط شود و تا زمانیکه رژیم او حاکم است هیچگونه مذاکره ای با او انجام نخواهد شد، اما جناح بنی صدر بر این اعتقاد است که اگر نیروهای نظامی عراق به مرزهای قبل از جنگ برگردند، مذاکره با همین حکومت امکان پذیر است. ما معتقدیم که بیان چنین نقطه نظراتی گرچه بیانگر دوراندیشی و یا غیر دوراندیشی جناحهای سرمایه داری ایران است، اما این عمل عمدتاً بیانگر رقابت دو جناح برسر قدرت هرچه بیشتر و استحکام آن در حال و آینده است. هیئت حاکمه از آن جهت در حال

بقیه در صفحهٔ ۳

www.peykar.org

کودتاچیان...

ماندن کودتاعده‌ای از خلبانان و افسران ارشد در رابطه با طرح کودتا دستگیر و راهی زندان و برخی نیز "پاکسازی" شدند اختلاف حزب جمهوری اسلامی و جناح بنی صدر در همین رابطه بالا گرفت. حزب جمهوری اسلامی که سپاه پاسداران را در قبضه خود درآورده و درصدد بود تا جناح رقیب را در ارتش بکنار زده و در آن جا هم موضع مسلط بیابد، با روشدن مسئله کودتا بر علیه لیبرالهای حلقه زده بدور بنی صدر تاخت گرفت. جناح بنی صدر کوشید تا "آبروی" بر باد رفته ارتش را تأمین سازد. در این میان شعار "ارتش برادر ماست" تا حدودی رنگ باخت. خمینی دستور اعدام همه کودتاچیان را صادر کرد و دادگاههای "انقلاب" "رونقی" دوباره یافت. جناح بنی صدر در جستجوی فرصت مناسبی بود تا از این "پاکسازی"ها و اعدامها جلوگیرد. اینك جنگ حکومتهای عراق و ایران این فرصت را دست داده است. فرصتی که میبایستی برای تطهیر ارتش بهره جست. روزنامه انقلاب اسلامی در تاریخ شنبه ۱۲ مهر در سر مقاله خود خبر نامیمون بازگشت مزدوران ارتش شاه هنشاهی را میدهد: "تعدادی با میل خود به خدمت بازگشته و از وطن اسلامی خویش دفاع میکنند و در حال حاضر در جبهه‌های جنگ با ایمان هرچه تمامتر می‌جنگند" و سپس بنی صدر در یك مصاحبه تلویزیونی این امر را تأئید کرده و برای آنها طلب آمرزش میکند! توده‌های زحمتکش ما حق دارند بپرسند اینان که بازگشته‌اند چه کسانی هستند؟ مگر نه اینکه حکومت جمهوری اسلامی برای توجیه جنگ خود با عراق از روحیه ضد امپریالیستی توده‌ها بهره جسته و تبلیغ میکند که این جنگ جنگ با آمریکا است؟ مگر نه اینکه بسیاری از فرماندهان مزدور در رابطه با یك کودتای آمریکائی دستگیر و "پاکسازی" شدند؟ و مگر نه اینکه این خلبانان و افسران ارشد در یك ارتش با سیستم آمریکائی تعلیم و تربیت یافته‌اند؟ پس چگونه است که اینان امروز از زندانها آزاد میشوند تا با آمریکا در جبهه جنگ با عراق، بجنگند؟ چگونه است که یك شبه اینان توبه کرده و تطهیر میشوند؟ اینان که تا دیروز از "وطن شاهنشاهی" خود دفاع میکردند، چگونه امروز از "وطن اسلامی" خویش "دفاع" میکنند؟ آیا اینان که بهنگام جنگ میان حکومت منفور پهلوی و رژیم عراق به جبهه گسیل شده بودند، آن زمان از چه "دفاع" میکردند؟ آیا آن زمان هم با "کفر" صدام حسین میجنگیدند؟ لابد آن زمان هم علیه امپریالیسم آمریکا بوده‌اند!! چه رژیم فاشیستی شاه نیز بسیار بر علیه" ابر قدرتها سخن میگفت! و گویا خلبانان ارتش شاهنشاهی بخاطر همین سخنان آریامهر در گیر جنگ با عراق شده بودند! آری، اطلاعت کورکورانه تا مغز استخوان ارتش های وابسته چون ارتش ضد خلقی ایران نفوذ دارد. ارتش ماشین سرکوب دولتهای ارتجاعی حاکم است. برای ارتشهائی با سیستم ارتجاعی "وطن" یا "دفاع از میهن" مفهومی ندارد. هر آنجا که منافع طبقات حاکمه در خطر افتد، این ماشین بکار میافتد تا از آن منافع دفاع کند. بنابر این تبلیغات حکومت در مجموع و علی الخصوص جناح بنی صدر مبنی بر اینکه افسران ارشد و خلبانانی که در رابطه با کودتای آمریکائی زندانی بوده و اینك در جبهه‌های جنگ با ایمان هرچه تمامتر می‌جنگند "و از وطن اسلامی خویش دفاع میکنند" عوام فریبی ای بیش نیست. البته در ایمان مزدوران نسبت به رژیم سرمایه‌داری وابسته شکی نیست. بیاد دلیریم خشم توده‌های زحمتکش را نسبت به افسران و خلبانانی که در طرح کودتا و پیاده کردن آن نقش داشته‌اند. حال همین مزدوران جان سالم بدر برده‌اند و چون مهره‌های در خدمت تحکیم جمهوری اسلامی هستند. حکومت این خشم را میبیند اما میداند که بایستی بطریقی آتش این خشم را فرو نشاند لذا با تبلیغ "دفاع از میهن" بر آن آب سرد می‌پاشد. اینك جنگ وسیله‌ای شده است در دست حکومت تا با متوجه ساختن اذهان توده‌ها بسوی آن، اوضاع درونی خود را سامان دهد و سیاستهای مرتجعانه خویش را با خیال آسوده‌تری به اجراء درآورد. لذا آب تطهیر ریختن بر روی مزدوران ارتشی و باز گردانیدن آنها، بوسیله شعار "دفاع از میهن" توجیه میشود. از سوی دیگر جناح بنی صدر با پای فشردن بر این امر و تبلیغ "جانفشانی های" ارتش میکوشد تا برای جناح خود اعتبار کسب کند. باز هم میگوئیم این جنگ، جنگ حکومتهای ارتجاعی است و توده‌های زحمتکش را از این نه تنها بهره‌ای نیست، بلکه به فلاکت و فقر بیشتر آنها میانجامد. شرکت مزدوران آمریکائی ارتش در این جنگ تبلیغات حکومت را در "دفاع از میهن" و "جنگ با آمریکا" نقش بر آب کرده و حکومت جمهوری اسلامی را بیش از پیش رسوا میسازد.

پیرامون جنگ...

حاضر موافق قطع جنگ نیست که:

۱ــ بوسیله ادامه جنگ میتوانند به ارتش و سپاه پاسداران و ملحقات آن انسجام هرچه بیشتری بخشند.

۲ــ سعی کنند از وقوع جنگ کمال استفاده را برای قدرت یابی هرچه بیشتر خویش بنمایند.

۳ــ توده‌های ناآگاه را که کم کم از حکومت میبرند، بیشتر بخود ملحق گردانند.

۴ــ ایران را بعنوان قدرتی در منطقه خلیج که میتواند تأمین نفت دول امپریالیستی و امنیت گذرگاههای نفت را تضمین نماید، به ثبت برسانند.

۵ــ در اثر ادامه جنگ و خرابیهای ناشی از آن، در لوای برطرف ساختن این خرابیها و یا خنثی ساختن تجاوز، وابستگی خلقهای کشور ما را به امپریالیستها مشروعیت بخشند.

توده‌های زحمتکش خلق ما باید بدانند که از این جنگ برطبق اصول لنینیسم که "جنگ ادامه سیاست است" البته از راه‌های دیگر" تنها سرمایه داران و هیئت حاکمه در خدمت آنانند که سود می‌برند، نه آنها. چه سیاستی که تاکنون از سوی حکومت اعمال میشده است، بهیچوجه در خدمت تأمین منافع زحمتکشان نبوده و لذا ادامه این سیاست هم از طریق جنگ نفعی برای زحمتکشان در بر نخواهد داشت بنابراین توده‌های زحمتکش ایران تنها تحت رهبری پرولتاریا با نابودی حکومت سرمایه داران و برقراری حکومت زحمتکشان قادرند که جنگهای ناعادلانه را به جنگهای واقعاً آزادیبخش که خلقها واقعاً سرنوشت خویش را بدست گیرند، تبدیل نمایند. تنها با استقرار یك حکومت مردمی است که دفاع از میهن مفهوم می‌یابد و در غیر این صورت دفاع از میهن فریبی بیش نیست.

www.peykar.org

همدستی با ...

کوردلان می پندارند که از اینگونه اراجیف طرفی خواهند بست. کیست که نداند سپاه رزگاری از سوی رژیم بعثی عراق تقویت میشود و مهمتر اینکه کیست که نداند سازمان زحمتکشان کردستان (کومه له) چندی پیش خود به خلع سلاح سپاه رزگاری اقدام ورزید. موضع کومه له در مقابل سپاه رزگاری و رژیم بعثی عراق برای خلق قهرمان کرد روشن است. پیشمرگان کومه له آشتی ناپذیری خود را به رژیم بعثی عراق به ثبوت رسانیده اند و نه تنها این، بلکه طی دو سه ماه اخیر ضمن مبارزه و سازماندهی توده های زحمتکش کرد به مقاومت جانانه ای در مقابل حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی دست زده است و درست به همین جهت در دل زحمتکشان کرد جای دارد. دقیقاً همین مبارزه و مقاومت است که نفرت و کینه حکومت و اجیر شدگانی چون "سازمان پیشمرگان مسلمان کرد" را برانگیخته است که این چنین دست به تهاجم و تبلیغات عوامفریبانه زده اند. ستاد مشترک ارتش و سپاه پاسداران نیز در این میان بیاری اثبات از جانب "سازمان پیشمرگان مسلمان کرد" برخاسته است. در روز سه شنبه ۱۵ مهر میان رزمندگان کرد و پیشمرگان مسلمان کرد در روستای نشور بین راه سنندج ـ کامیاران درگیری سختی در میگیرد. مقاومت جانانه پیشمرگان رزمنده کرد، پیشمرگان مسلمان را هراسناک میکند. بدنبال این درگیری ستاد مشترک ارتش و سپاه پاسداران اعلامیه ای صادر میکند مبنی بر اینکه "بگفته ناظران عینی در این درگیری نظامیان دولت بعثی عراق در میان مهاجمین دیده شده اند که ضد انقلابیون را یاری داده و بسوی نیروهای انقلاب تیراندازی کرده اند." (انقلاب اسلامی چهارشنبه ۱۶ مهر ۵۹). جالب است تا کنون بدنبال هر یورش به خلق کرد اینگونه تبلیغ میشد که گویا عوامل سالار جاف پالیزبان و اویسی در میان رزمندگان دلیر کرد بوده اند و البته با همین تبلیغات نیز چند صباحی توانستند سرکوب خلق بپاخاسته کرد را توجیه کنند. اما اینک که دیگر حتی "همدستی با جافها" وغیره رنگی ندارد، خبر از وجود "نظامیان دولت بعثی عراق" در میان پیشمرگان دلاور کرد میدهند.

می بینیم که حکومت جمهوری اسلامی چگونه هر چند صباحی با علم کردن "همدستی" خلق کرد با این یا آن عنصر مزدور سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد را توجیه میکند تا با عوامفریبی توده های ناآگاه را به تائید از کشتار وحشیانه خود بکشاند. آری اینک "همدستی با کفار بعثی عراق" وسیله دیگری است در دست حکومت جمهوری اسلامی برای ادامه یورش به کردستان قهرمان.

اخراج چهار ...

دخترانه فاطمی (ناحیه ۱۱) شاهد بودیم چندی پیش در میان تعدادی از دانش ـ آموزان مدرسه مباحثه در میگیرد. مسئولین مدرسه از جمله خانم شعبانی مدیر دبیرستان که مجری بخشنامه فوق الذکر آموزش و پرورش می باشند و از آنجائیکه می هراسیدند که مبادا در میان این بحثها برخی از دانش آموزان به بسیاری از مسائل و مشکلات جامعه آگاهی یابند، کوشیدند تا تحت این عنوان که "اینجا محل درس است، نه تبلیغ سیاسی و شما باید شرایط سیاسی کشور را نیز در نظر بگیرید"، دانش آموزان مبارز را که خواهان مجاز بودن بحث در مدرسه بودند، مورد مواخذه قرار دهند و چون با مقاومت دانش آموزان مبارز روبرو شدند، ضمن تماس با آموزش و پرورش ناحیه ۱۱ و بهمکاری این اداره، برگ اخراج ۴ تن از دانش آموزان را صادر کردند. آری وحشت از آگاهی توده ها، وحشت از نفوذ بیشتر افکار انقلابی و آزادیخواهانه و بخصوص افکار کمونیستی، حکومت را در همه سطوح به سرکوب وامیدارد. حکومت به سکوت مرگبار و تسلیم جبونانه نیاز دارد تا بتواند به عمر ننگین خویش ادامه دهد. هر روزنه ای که باز شود و نور افکار مترقی و انقلابی بدرون آن راه یابد، حکومت بکمک عوامل خود میکوشد آن روزنه را مسدود سازد. حال چه در کارخانه باشد و چه در روستا، چه در ادارات و چه در مدارس و دانشگاهها. درست به همین دلیل دانشگاهها توسط حکومت تعطیل شد و شاهد بودیم که در سال گذشته برخی از مدارس بخاطر سرپیچی معلمین و دانش آموزان انقلابی از دستورات مرتجعانه حکومت، به تعطیلی کشانیده شدند و بسیاری از معلمین و دانش آموزان انقلابی نیز اخراج گردیدند. هنوز نیمه اول ماه مهر است و رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغ اینکه "مدارس جای بحث نیست" میکوشد تا دانش آموزان را به مقابله یکدیگر کشانیده و سپس با شناسائی افراد مبارز و بکمک عمال خود در مدارس، مبارزین را از مدرسه اخراج نماید، تا بخیال خود از نشر افکار انقلابی جلوگیری کند. اخراج ۴ تن از دانش آموزان مبارز دبیرستان دخترانه فاطمی نمونه بارز این امر است.

منتشر شد
پرولتاریا و خلقهای جهان متحد شوید!
لنینیسم
جلد سوم
مسکو ۱۹۳۵
مهر ۱۳۵۹
کتاب درسی برای مدرسه حزبی

در بخش
پیکار خلق
ما را یاری رسانید

پیش بسوی جمهوری دمکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org